

ضرورت اصالت تخصص چیست؟ آیا بدون این اصل به هدف خلقت خود می‌رسیم؟

فهمیدن ضرورت اصالت تخصص با توجه به هدف خلقت انسان

اگر کمی با دقت به موضوعات و حوادث پیرامون مان نگاه کرده باشیم، می‌بینیم که بعضی از کارها یا موضوعات اطراف ما لازم و ملزوم یکدیگرند. مثلاً ممکن است بدون داشتن لباس یا کلاه مناسب برای دوچرخه‌سواری در یک تورنمنت دوچرخه‌سواری به مقام اول برسیم، اما قطعاً بدون داشتن دوچرخه نمی‌توانیم، به به‌دست‌آوردن جایگاهی در این مسابقه فکر کنیم. یا این‌که لازمه شرکت کردن در یک مسابقه قایقرانی، داشتن قایق و پارویی متناسب با ساختار این مسابقه است. ساختار زندگی، ریاضیات خلقت و ریاضیات نفس ما هم به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شده که وجود دسته‌ای از عوامل لازمه رسیدن ما به غایت نهایی و هدف خلقت مان هستند و در واقع بدون آنها عملاً رسیدن ما به غایت مان امکان‌پذیر نیست.

مثلاً ما بدون این‌که بدانیم چه کسی هستیم، ویژگی‌های ساختاری ما چیست، از کجا آمده‌ایم، مقصد نهایی مان کجاست و چگونه باید این مسیر را طی کنیم، قادر به فهمیدن هدف خلقت خود نیستیم. اما نکته مهم این‌جاست که این سؤالات در محدوده دانش مادی و تجربی ما نمی‌گنجند و رسیدن به پاسخ این سؤالات در رسیدن ما به هدف خلقت مان بسیار مهم است، اما رسیدن به این پاسخ‌ها به خودی خود نیاز به ملزوماتی دارد، که مهم‌ترین آنها رجوع به متخصص معصوم است و این مسأله خود به نوعی اثبات ضرورت اصالت تخصص است.

ساختار وجودی ما و ابدیتی که در پیش داریم

ما در درس‌های گذشته فهمیدیم که تنها به واسطه داشتن بُعد انسانی مان با بقیه موجودات متفاوتیم. در حقیقت خدا برای هیچ کدام از موجودات عالم هستی، از جمادات، گیاهان، حیوانات و حتی فرشتگان راهی برای ورود به این مرتبه قرار نداده و ما به‌واسطه داشتن بُعد انسانی یا فوق‌عقل است، که مورد توجه ویژه خدا هستیم. اما این نفخه الهی زمانی، پیش از این‌که به

این دنیا بیاید در عالمی دیگر بوده و مدتی کوتاه در جسم خاکی و مادی ما و در محیط محدود دنیا زندگی می‌کند و باید خودش را در این مرحله پرورش دهد تا بعد از به سر رسیدن این مدت، به زندگی ابدی خود در جهان آخرت و نزد خالقش بازگردد.

مسأله ابدیت و میل ما به داشتن یک زندگی جاودان هرگز شوخی‌بردار نیست! اگر به آن پاسخ درست و کاملی ندهیم، به‌صورتی وارد زندگی ابدی خواهیم شد که آرزوی برگشتن به دنیا، اصلاح خود و رسیدن به مرتبه انسانی، تبدیل به مهم‌ترین خواسته ما می‌شود؛ چون در این حالت به جای این‌که بعد انسانی و بی‌نهایت طلب خود را پرورش داده باشیم، مراتب جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی وجودمان را در اولویت قرار داده و آنها را پرورانده‌ایم. اما نکته این‌جاست که دیگر بازگشتی در کار نیست و مانند نوزادی که ناقص به دنیا آمده و تا آخر عمر مجبور به تحمل وضعیت خویش است، ما هم تا پایان زندگی آخرتی باید با آنچه برای خود ساخته‌ایم زندگی کنیم؛ البته با این تفاوت که برای زندگی ما در آخرت، پایانی وجود نخواهد داشت.

اشتباهی که باید جلو آن را گرفت

ما طبیعتاً به دنبال بهره‌مندی هر چه بیشتر از عالم آخرت و رسیدن به سعادت هستیم، اما یکی از خطاهای جبران‌ناپذیر ما در رسیدن به سعادت در این است، که به تعریفی اشتباه یا ناقص دست یافته یا دل بسته باشیم. مثلاً در موارد تاریخی و معاصر زیادی می‌بینیم که یک فرد، گروه یا حتی جامعه پرجمعیت خوشبختی‌شان را بر پایه‌هایی بنا کرده‌اند و بعد از سال‌ها و یا حتی نسل‌ها متوجه اشتباه بودن تعریف خود از انسان شده‌اند، اما اعتراف به اشتباه بودن این راه تأثیری در برگشت انسان‌هایی که عمرشان را با توجه به این تعریف‌ها گذرانده‌اند، ندارد.

در واقع اگر ما از همان اول برنامه‌ها و فعالیت‌هایمان را بر اساس مبانی درست انسانی پیش ببریم و از کسانی پیروی کنیم که نسبت به مراتب وجودمان شناخت کامل و درستی دارند، هیچ‌وقت دچار چنین ضرر و خسارتی نمی‌شویم؛ چون در واقع

مردم با اعتماد کردن به رهبرانشان به پیروی از آنان می‌پردازند و رهبران جامعه بیشترین تأثیر یا تقصیر را چه در کج‌روی‌ها و دور شدن از سعادت و چه در رسیدن آنها به سعادت دارند. اینجاست که اهمیت وجود یک فرد انسان‌شناس و راه‌بلد یا ضرورت اصالت تخصص برای هدایت و رهبری جامعه مشخص می‌شود، کسی که هم به تمام جنبه‌ها و مراتب وجود انسان و سایر موجودات آگاه باشد و هم بهترین رابطه را بین انسان، خدا و سایر مخلوقات او برقرار کند.

هدایتی از سوی سازنده

پس با این وجود به نظر می‌رسد که وجود راهنمای متخصص در زمینه بعد انسانی و مرتبه فوق‌عقل ما نه تنها ضروری است، بلکه حق ماست که آن را از خدا بخواهیم. البته ما به عنوان انسان قابلیت این را داریم که به ضرورت اصالت تخصص توجهی نکنیم، خود حقیقی‌مان را فراموش کنیم و با مشغول شدن با همان مراتب جمادی تا عقلانی، تمام عمر سرگرم باشیم، اما خدایی که نسبت به آنچه ساخته و پرداخته و همچنین ضرورت اصالت تخصص از همه آگاه‌تر است، تمام قابلیت‌ها و جزئی‌ترین نیازهای ما را می‌شناسد و هرگز از ارسال پیامبرانش به سوی ما کوتاهی نکرده است. در واقع هدایت ما به قدری برای خداوند مهم است که حتی جان خیلی از عزیزترین مخلوقات خود یعنی پیامبران، امامان و دوستانش را فدای هدایت ما کرده است. البته بدیهی‌ست که راهنمایان این مسیر که با سعادت ما در مقیاس ابدی سروکار دارند، باید از هرگونه خطا و اشتباهی به دور باشند تا در دریافت آموزه‌های الهی و انتقال‌شان به مردم دچار کمترین خطایی نشوند. خصوصیتی که در تمام پیامبران الهی و امامان وجود داشته و دارد.

در حقیقت خدا تنها برای هدایتی که با توجه به قابلیت‌های ما و هدف خلقت‌مان تنظیم و ایجاد کرده است، اصالت قائل است و از طرفی پیامبران و امامان معصوم تنها نمایندگان مورد اعتماد خدا بوده و افرادی هستند که شایستگی رساندن ما به هدف خلقت‌مان را دارند؛ در نتیجه فقط پیروی از آنها نزد خدا پذیرفته است. این مسئله ضرورت اصالت تخصص و همان قانون فطری

«اصالت تخصص» در بخش فوق عقل ما را بیان می‌کند. به عبارت ساده‌تر می‌گوید که ما برای رسیدن به بُعد انسانی و هدف خلقت خود راهی جز مراجعه به متخصص معصوم و مورد اعتماد خدا نداریم.

در این مقاله گفتیم که نیاز به داشتن رهبران و راهنمایان معصوم و برقراری ارتباط با آنها نیازی فطری بوده و بر اساس «اصل اصالت تخصص» شکل می‌گیرد؛ چون ما به دلیل ساختار ریاضی وجودمان به تنهایی قادر به به‌دست آوردن اطلاعات مورد نیاز خود نیستیم و ضرورت اصالت تخصص ایجاب می‌کند، که به یک متخصص معصوم مراجعه کنیم. در واقع تنها کافیست که ما در مسیر شناخت خود و رابطه‌مان با هستی، گام‌های اول را به‌درستی برداریم تا در مسیر رسیدن خود به هدف غایی‌مان دچار اشتباه نشویم.

آیا شما هم به اهمیت ضرورت اصالت تخصص برای رسیدن به هدف خلقت خود معتقد هستید؟ نظرات خود را در این باره با ما در میان بگذارید.